



مسئله هماهنگی آزاد در زیبایی شناسی کانت

اثر: کنت راجرسون

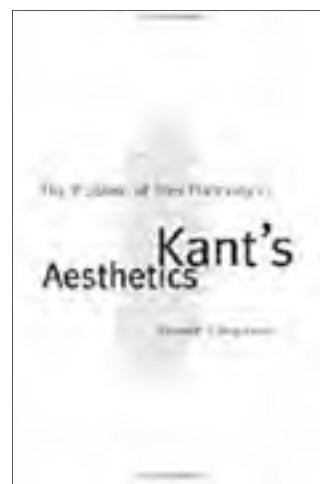
علیرضا صادقی

این کتاب به بررسی نیمه نخست نقد قوه حکم کانت می‌پردازد. نویسنده توجه خود را به مهمترین موضوع در زیبایی شناسی کانت، یعنی مفهوم هماهنگی آزاد تخیل و فاهمه معطوف می‌نماید. کانت در نقد حکم زیباشناختی استدلال می‌کند که یک ابژه زیبا است اگر و تنها اگر برای ما لذتی را ایجاد نماید که منشأ آن یک حالت ذهنی ای است که مشابه با شناخت می‌باشد. کانت بر این اعتقاد است که اگر و تنها اگر لذت زیباشناختی ما مبتنی بر چنین حالت ذهنی ای باشد، آن گاه چنین لذتی می‌تواند احکام ما درباره ذوق را فراتر از سوژکتیویته ببرد و همچنین کانت ادعا می‌کند که چنین چیزی برای تمام کسانی که ابژه های زیباشناختی را به طور مناسب درک می‌نمایند، صادق است. کانت بدین طریق سعی می‌کند تا نوعی از ابژکتیویته را درباره احکام زیباشناختی توجیه نماید.

کانت معتقد است که احکام مربوط به ذوق، از جایگاه ویژه ای در سوژکتیویته صرف و ابژکتیویته کامل برخوردارند. کانت به شیوه ای منحصر به فرد در تاریخ فلسفه استدلال می‌کند که احکام زیباشناختی، به طور سوژکتیو دارای کلیت هستند؛ زیرا مبتنی بر احساس لذت می‌باشند. با وجود این، به نظر کانت جایگاه احکام زیباشناختی فراتر از این است؛ زیرا هنگامی که یک حکم زیباشناختی را بیان می‌کنیم، نه تنها ادعا می‌کنیم که ابژه برای ما خوشایند است، بلکه همچنین مدعی هستیم که ابژه به طور کلی لذت بخش می‌باشد. همین ادعای کلیت است که حکم زیباشناختی را همانند احکام ابژکتیو و تجربی می‌سازد. اما افزون بر این، کانت معتقد است که هماهنگی آزاد اساس این لذت می‌باشد. در نهایت، موضع گیری کانت مبتنی بر این ادعا است که احکام زیباشناختی به طور کلی معتبر هستند زیرا آنها مبتنی بر لذت مندی کلی هماهنگی آزاد تخیل و فاهمه می‌باشند.

به نظر نویسنده، چنین توصیفی از نظریه کانت چندان مناقشه برانگیز نیست. زیرا تمام محققان توافق دارند که برنامه کانت، استوار نمودن احکام ذوقی بر لذت کلی هماهنگی آزاد می‌باشد. با وجود این، در این جا به لحاظ تفسیری دو نکته وجود دارد که کاملاً مناقشه برانگیز است. محققان در این زمینه توافق ندارند که دقیقاً هماهنگی آزاد تخیل و فاهمه چه معنایی می‌تواند در فلسفه کانت داشته باشد و چرا کانت معتقد است که چنین حالت ذهنی ای به طور کلی لذت بخش می‌باشد. این دو مسئله، موضوعات محوری این کتاب هستند و نویسنده درصدد است تا به آنها پاسخی مناسب ارائه دهد.

نویسنده تلاش می‌کند تا با بررسی مفهوم هماهنگی آزاد در چارچوب معرفت شناسی و متافیزیک کانت به مسائل فوق بپردازد. کانت در نقد خرد ناب، شناخت را به عنوان استعمال مفاهیم برای کثرتی از داده های حسی معرفی می‌کند. علاوه بر این، شاخص فلسفه کانت این است که مفاهیم مورد نظر باید قواعدی باشند که این کثرت های داده های حسی را سازمان می‌دهند. مفهوم پردازی داده ها از روی حواس، در نقد قوه حکم به عنوان هماهنگ نمودن قوه فاهمه (قوه مفاهیم) با قوه تخیل تلقی می‌گردد. با وجود این، هنگامی که کانت تبیین خود را از ادراک ارائه می‌دهد، ادعا می‌کند که ما فاهمه و تخیل را به نحوی هماهنگ می‌سازیم که از مفاهیم رها می‌شوند. وی می‌گوید که ما می‌توانیم کثرتی از داده های حسی را درک نماییم و آن را با قوه



Rogerson, Kenneth. (2008). *The Problem of Free Harmony in KANT'S AESTHETICS*. State University of New York.



نویسنده توجه خود را به مهمترین موضوع در زیبایی شناسی کانت،
یعنی مفهوم هماهنگی آزاد تخیل و فاهمه معطوف می نماید.

مفهوم پردازی داده ها از روی حواس، در نقد قوه حکم
به عنوان هماهنگ نمودن قوه فاهمه (قوه مفاهیم)
با قوه تخیل تلقی می گردد.

مفاهیم هماهنگ نماییم، اما به نحوی که واقعاً در اینجا قاعده ای مفهومی حاکم نیست. مثلاً می توانیم کثرتی از حواس را از آن جهت که شبه قاعده است درک نماییم، اما بدون به کاربردن یک قاعده. چنین چیزی چگونه ممکن است؟ یافتن پاسخی مناسب به این پرسش، موضوعی است که در هر بخش از این کتاب پی گیری می شود. مسئله عمده و اساسی نقد قوه حکم این است که دریابید چگونه می توان درباره کثرتی از اجزاء سخن گفت که اگرچه به نحوی قاعده مند هستند، اما بی بهره از قواعد می باشند. هدف هر فصل، روشن سازی ابعاد مسئله هماهنگی آزاد تخیل و فاهمه می باشد.

نویسنده در این کتاب درصدد است تا راه حلی برای این مسئله پیشنهاد دهد. وی ادعا می کند که کانت برای مسئله هماهنگی آزاد راه حلی دارد، اما این راه حل پیرامون تصویری که کانت از بیان ایده های زیباشناختی دارد ساخته و پرداخته می شود. نظریه کانت درباره بیان ایده های زیباشناختی بسیار مهمتر از چیزی است که عموماً تلقی می گردد. کانت در بخش های بعدی نقد حکم زیباشناختی، تبیینی از این مسئله ارائه می دهد که چگونه هنر (و حتی طبیعت) می تواند به عنوان بیان کننده موضوعات یا ایده هایی تفسیر شود که انتقال آنها به شیوه ای دیگر دشوار است. نویسنده استدلال می کند که تنها نظریه زیبایی به

عنوان بیان ایده ها می تواند به کانت تبیینی موجه از این ارائه دهد که ما چگونه می توانیم ابژه های زیبایی را به مثابه هماهنگی های آزاد مشاهده نماییم. برای مثال، کانت معتقد است که یک هنرمند باید اثری را بیافریند که ما را برای ایجاد تداعی های جدید برانگیزد یعنی تداعی هایی که به نحوی گردهم می آیند که ایده هایی را آشکار می سازند که فراتر از تجربه متعارف مان می روند. بدین ترتیب، ادراک زیباشناختی می تواند مفاهیم اخلاقی و دینی ای را به بیان درآورد که به نظر کانت هرگز نمی توانند با شناخت تجربی صرف فهم شوند. به نظر نویسنده، بیان ایده ها می تواند مفهوم پارادوکسیکال هماهنگی آزاد تخیل و فاهمه را آشکار سازد. بیان ایده ها دارای دو نقش است: ۱. نقش تبیین گر ۲. نقش هنجاری. نویسنده بر آن است که بیان می تواند به تبیین اینکه چرا تجربه زیباشناختی برای ما لذت بخش است و اینکه چرا تجربه زیباشناختی برای ما دارای ارزش اخلاقی می باشد، یاری نماید. همین موضوع است که نظریه اصلی نویسنده را تشکیل می دهد. به نظر وی، هماهنگی آزاد مفهومی عمیقاً پارادوکسیکال است که نمی توان آن را با تفسیرهای معمولی از نظریه کانت تبیین نمود. نظریه بیان ایده های زیباشناختی، این پارادوکس را حل می کند و بدین ترتیب بیان ایده ها برای نظریه زیباشناختی کانت، حیاتی و مهم می باشد.

در فصل نخست، نویسنده این مسئله اساسی را توضیح می دهد که هماهنگی آزاد تخیل و





محققان در این زمینه توافق ندارند که دقیقاً هماهنگی آزاد تخیل و فاهمه چه معنایی می‌تواند در فلسفه کانت داشته باشد و چرا کانت معتقد است که چنین حالت ذهنی‌ای به طور کلی لذت بخش می‌باشد.

فاهمه به نظر پارادوکسیکال می‌رسند. سپس به بررسی و نقد تفسیرهایی می‌پردازد که تلاش می‌نمایند تا این پارادوکس را حل نمایند. در گام بعد نویسنده، نظریه خود را مطرح می‌کند که بر مبنای آن، نظریه بیان ایده‌های زیباشناختی کانت می‌تواند ما را از این پارادوکس رهایی بخشد.

در فصل دوم، تبیین کانت از بیان ایده‌های زیباشناختی بررسی می‌گردد. از آن جایی که نویسنده معتقد است که بیان ایده‌ها برای نظریه گسترده تر کانت در مورد زیبایی مهم است، توجه خود را به نظریه بیان ایده‌ها و به ویژه رابطه این نظریه با این شرط معطوف می‌کند که زیبایی، درک یک هماهنگی آزاد می‌باشد. نویسنده استدلال می‌کند که بیان ایده‌های زیباشناختی نه تنها با هماهنگی آزاد سازگار است، بلکه این موضع را گسترده و توسعه می‌دهد.

در فصل سوم نویسنده نظریه خود را مطرح می‌کند که بیان ایده‌های زیباشناختی نقش مهمی را در نظریه کانت ایفا می‌کند. به نظر وی، این تلقی طبیعی است که بیان ایده‌های زیباشناختی می‌تواند نقش مهمی را در تبیین زیبایی هنری ایفا کند، در حالی که توجه به زیبایی طبیعی خارج از موضوع قرار می‌گیرد. اما از آن جایی که کانت زیبایی طبیعی را به اندازه زیبایی هنری مهم می‌داند، تأکید بر بیان ایده‌ها می‌تواند گمراه کننده باشد. علاوه بر این، نویسنده بیان می‌کند که زیبایی طبیعی همانند زیبایی هنری می‌تواند بیان گر باشد و بدین ترتیب اعتراض مطرح شده برطرف می‌شود.

فصل چهارم، به بحث درباره هماهنگی آزاد و بیان ایده‌ها از منظری متفاوت از فصل‌های پیش می‌پردازد. در این فصل، نویسنده به بررسی یک پرسش بنیادی در تبیین کانت از ارزش زیباشناختی می‌پردازد یعنی این ادعا که هماهنگی آزاد، منشأ لذت کلی می‌باشد. نویسنده این مسئله را در کانون توجه خود قرار می‌دهد که چرا کانت هماهنگی آزاد را لذت بخش تلقی می‌کند. به نظر نویسنده، این مسئله تا کنون آنطور که باید مدنظر قرار نگرفته است و پاسخ به این پرسش ما را به تبیین کانت از بیان ایده‌ها رهنمون می‌سازد.

فصل پنجم، به بررسی مسئله‌ای می‌پردازد که در فصل اول مطرح شده است و با تفسیر مناسب هماهنگی آزاد تخیل و فاهمه ارتباط دارد. این فصل غالباً به نقد تفسیرهای رایج از هماهنگی آزاد می‌پردازد. نویسنده در این فصل اظهار می‌کند که اگر ما تفسیرهای رایج از هماهنگی آزاد را بی‌پذیریم، آن گاه به این نتیجه خواهیم رسید که کانت این نظریه را پذیرفته است که هر ابژه‌ای که ما درک می‌کنیم، به یک معنا زیبا تلقی می‌گردد. به نظر نویسنده، کانت چنین مطلبی را رد می‌کند و تفسیرهای رایج از این موضوع نادرست می‌باشند. نویسنده استدلال می‌نماید که توسل به نظریه ایده‌های زیباشناختی می‌تواند ما را از این مسئله رهایی بخشد.

در فصل ششم، نویسنده به مسئله‌ای می‌پردازد که در تفسیر "نقد حکم زیباشناختی" مناقشه برانگیز است. کانت فراتر از این ادعا که ادراک ابژه‌ها به عنوان هماهنگی‌های آزاد به طور کلی لذت بخش است، اظهار می‌کند که چنین ادراکی از ارزش اخلاقی برخوردار است. نویسنده در این فصل به تحلیل لذت در هماهنگی آزاد و استلزامات آن برای زندگی اخلاقی می‌پردازد.

در انتهای کتاب، نویسنده مقاله خود را با عنوان "معنای اعتبار کلی در زیبایی شناسی کانت" به صورت پیوست ارائه می‌کند و به بررسی و نقد تفسیرهای رایج از برهان کانت در مورد اعتبار کلی احکام مربوط به ذوق می‌پردازد.

